



ده بگری

پیش گفتار

در پائیز سال ۱۳۴۷ نگارنده برای اولین بار به همراهی گروه پژوهشی دشت لوت از منطقه ده بگری* دیدن نمود و کلیات طبیعی و انسانی منطقه را مورد مطالعه قرار داد. در تابستان سال ۱۳۵۲ به اتفاق دانشجوی ممتاز خود آقای حسین مازاراتا بکی که اهل بم بود برای دومین بار به منطقه رفت و این بار مسائل منطقه ای را با دیدی دقیقتر بررسی نمود. مطالبی که به نظر خوانندگان ارجمند می رسد حاصل این دو سفر پژوهشی است.

ظهر روز ۵۲/۴/۲۰ از بم به سمت ده بگری حرکت می نمایم. در این طی طریق از دهات خواجه عسکر، دارزین و دامنه می گذریم. همچنانکه به ده - بگری نزدیک می شویم پوشش نباتی متراکمتر می شود و بوته ها فاصله کمتری از هم می گیرند. این بوته ها بر اثر شدت تابش نور آفتاب قهوه ای رنگ و سوخته هستند و به پاره از آنها سگ دندان گفته می شود. در خود کوهستان بوته های سبز معطری

۱ - در زمان فعلی تمام دهاتی را که دهستان دامنه و به زعم پاره ای دهستان مرغک دربر می گیرد ده بگری گویند. البته لازم به تذکر است که در محل از منطقه مرغک جداگانه به نام دهات مرغک نامبرده می شود. ولی از جهت تشابهی که در جنبه های طبیعی بین دهات دهستان های دامنه و مرغک به چشم می خورد منطقی به نظر می رسد که باید دهات منطقه مرغک را نیز در منطقه ده بگری شامل نمایم چنانکه مرکز آمار کل کشور نیز در فرهنگ آبادیها تعدادی از دهات منطقه ده بگری را در زمره دهستان مرغک وارد نموده است.

وجه تسمیه ده بگری این است که سابقاً این منطقه دهات متعدد شش دانگی را که فقط به زنی به اسم بگری متعلق بوده است در بر می گرفته و از اینجاست که اسم ده بگری مشتق شده است.

به نام درمون یا درمونه دیده می‌شود که معارف طبی دارد و اکثراً برای درمان دل‌درد از آن استفاده می‌کنند. هوا به طرز محسوسی خنکتر می‌شود و احساس رهایی مطبوعی از گرمای شاق جلگه بهم دست می‌دهد. در مسیر بهم به ده بگری به چندین گلگه برمی‌خوریم که بیشتر بز هستند. این گلگه‌ها یا به ایل‌های مجاور تعلق دارند و یا به دهات واقع در مسیر. در طی مسیر بهم به ده بگری در سمت راست جاده تعداد زیادی گل‌خرزهره به چشم می‌خورد که زهرکشنده‌ای دارد. در این مسیر دو ایل به نام‌های مجاز و مسافری وجود دارند که در زمستان و تابستان در سیاه چادر بسر می‌برند و با مردم شهر در نمی‌آمیزند. ایل‌های مجاز و مسافری هر دو ریشه بلوچ دارند. منطقه بیلاقی ایل مجاز از دامنه رودخانه فش کوه (چله‌خانه) * تا دامنه میرزایی و گور و ساردوئیه یعنی مسافتی در حدود ۹ کیلومتر و قشلاق این ایل تا نزدیکی‌های نرماشیر و دامنه کوه‌های کبودی در شمال بهم است. بیلاق ایل مسافری در گور و ساردوئیه و قشلاق این ایل در نرماشیر است. وجه تمایزی که بین این دو ایل قابل ذکر است اینکه مجازها خصوصیات نژادی خود را حفظ کرده و با مظاهر شهری رابطه ندارند در حالی که ایل مسافری حد واسط بین نرماشیری و مجاز است و این ایل بیشتر در دسترس شهری‌ها بوده و تمدن آنها را گرفته است. مردان ایل‌های مجاز و مسافری جهت تهیه آذوقه از جمله خرما کشیت به شهر می‌روند و با مبادله کالا به رفع نیازمندی‌های خویش می‌پردازند. بدین صورت که مثلاً بز یا روغن، کشک، و کرک می‌دهند و در مقابل گندم، جو، قند و چای می‌گیرند. مسافری‌ها تعدادی درخت خرما در کشیت دارند. از نظر سنت‌ها این دو ایل شباهت بسیار به یکدیگر دارند و اخیراً این دو ایل شناسنامه گرفته‌اند و عقد و ازدواج آنها به ثبت می‌رسد.

۱ - بنا به اظهار شادروان شیخ علیخان بهزادی از مالکان آگاه و روشن بین محل، در دامنه این رود غاری وجود داشته است و عارفی به نام طاهرالدین در این غار ریاضت می‌کشیده و در اصطلاح چله می‌نشسته و یا چله‌نشین بوده است.

سرانجام به منطقه زیبای ده بکری می‌رسیم. همه جا درختان بید، تبریزی و صنوبر به چشم می‌خورد. (عکس‌های شماره ۲۰۱ و ۳). این درختان ده‌پانزده‌ساله هستند و به زیبایی منطقه جلوه خاصی بخشیده‌اند. جاده‌ها همه جا خاکی است و به‌طور کلی در تمام دهات منطقه ده‌بکری اتحاد شکل و تجانس قابل ملاحظه‌ای به چشم می‌خورد که از اصالت منطقه حکایت دارد. در ده بکری گله‌داری فعالیت عمده است.

آب اکثراً از چشمه‌سارها تأمین می‌شود و تمام دهات ده بکری دارای قنات‌ها و چشمه‌سارهای انحصاری می‌باشند.

شناسایی محل :

ناحیه کوهستانی ده بکری در جنوب غربی و غرب واحه‌های بزم و نورماشیر واقع است (به شکل شماره ۱ پراکندگی جغرافیایی محصولات کشاورزی در واحه‌های بزم و نورماشیر مراجعه شود). در اینجا به علت طبیعت کوهستانی منطقه شرایط آب و هوایی معتدلتر و ملایمتری نسبت به دشت بزم و نورماشیر غلبه دارد. اطلاعات آب و هوایی ما خاطر نشان می‌سازد که تابستان‌های این قسمت مطبوع‌ترین و ملایم‌ترین تابستان‌هایی هستند که در سراسر این حوضه ملاحظه می‌شود و از این لحاظ ده بکری شهرت خاصی دارد. اهالی بزم و نورماشیر برای فرار از گرمای شدید جلگه به ویژه جمعه‌ها به ده بکری می‌آیند. بدین ترتیب این منطقه کوهستانی در تابستان به صورت زنده‌ترین و پرجنب و جوش‌ترین منطقه حوضه و در زمستان به صورت مرده‌ترین منطقه حوضه جلوه‌گر می‌شود. در اینجا حداقل مطلق درجه حرارت 12°C - و حداکثر مطلق به 37°C می‌رسد در حالی که حداقل مطلق درجه حرارت در دشت بزم و نورماشیر $7/5^{\circ}\text{C}$ - و حداکثر مطلق 52°C می‌باشد. خصوصیات آب و هوایی آثار خود را در مظاهر زندگی کشاورزی منعکس می‌سازد. (جهت آمار و اطلاعات آب و هوایی بیشتر به صفحات ۶-۷ مراجعه شود).

بدین ترتیب خشکی منطقه به طرف ناحیه کوهستانی در غرب تخفیف یافته و به طرف منطقه بیابانی در شرق تشدید می‌شود و این امر اثرات خود را در منابع آب، پوشش گیاهی، طبیعت خاك، نوع محصول، فعالیت‌های کشاورزی و غیره ظاهر می‌نماید.

شهرستان بهم شامل سه بخش می‌گردد که از غرب به شرق عبارتند از: راین، حومه و نرماشیر. بخش راین قسمتی از منطقه ناهموار ده بکری (مرغک) را دربر می‌گیرد (شکل شماره ۱). بخش اخیر به شش دهستان تقسیم می‌شود بدین‌قرار: مرغک، تهرود و ابارق، حسین‌آباد، حومه‌راین، راین و گزک. دهستان‌های دامنه و آبگرم واقع در بخش حومه همچنین در داخل منطقه کوهستانی جنوب غربی واقع می‌شوند. به این ترتیب دهات دهستان‌های دامنه و مرغک که بر رویهم منطقه ده بکری را به وجود می‌آورند به ترتیب در بخش‌های حومه و راین واقع اند^۱*

بر طبق آخرین سرشماری آبان‌ماه ۱۳۴۵، جمعیت شهرستان بهم ۹۱۴۲۳ نفر که از این تعداد ۸۸۵۰۰ نفر مستقر و ۲۹۲۳ نفر بقیه متحرک هستند. جمعیت منطقه کوهستانی^۲ * فقط ۱۵۰۳۱ نفر است که ۱۶/۴٪ جمعیت کل شهرستان را دربر می‌گیرد. جمعیت ده بکری قریب ۵۰۰۰ نفر و یا حدود ۵٪ از کل جمعیت شهرستان است. بهم تنها شهر شهرستان و تنها مرکز اداری آن محسوب می‌شود و جمعیت آن ۲۱۸۸۴ نفر می‌باشد. به این ترتیب ۲۳/۹٪ کل جمعیت شهرستان، شهرنشین و ۷۶/۱٪ روستایی است (این درصدها جمعیت متحرک را نیز شامل می‌شود).

۱ - جمع دهستان‌های بروات، خواجه عسکر، آبگرم، دامنه و مرغک در محل به نام دهستان‌های حومه شهر خوانده می‌شوند و بنابراین منطقه ده بکری که به جمع دهات واقع در دهستان‌های دامنه و مرغک گفته می‌شود جزء منطقه حومه شهر به حساب می‌آید.

۲ - این منطقه شامل شش دهستان واقع در بخش راین و همچنین دهستان‌های دامنه و آبگرم می‌گردد (شکل شماره ۱).



عکس شماره ۱ - درختان صنوبر - ده باغ، ده بکری



عکس شماره ۲ - ده بکری برفراز تپه ده کهن سیر



عکس شماره ۳- ده بکری بر فراز تپه ده کهن سبیر

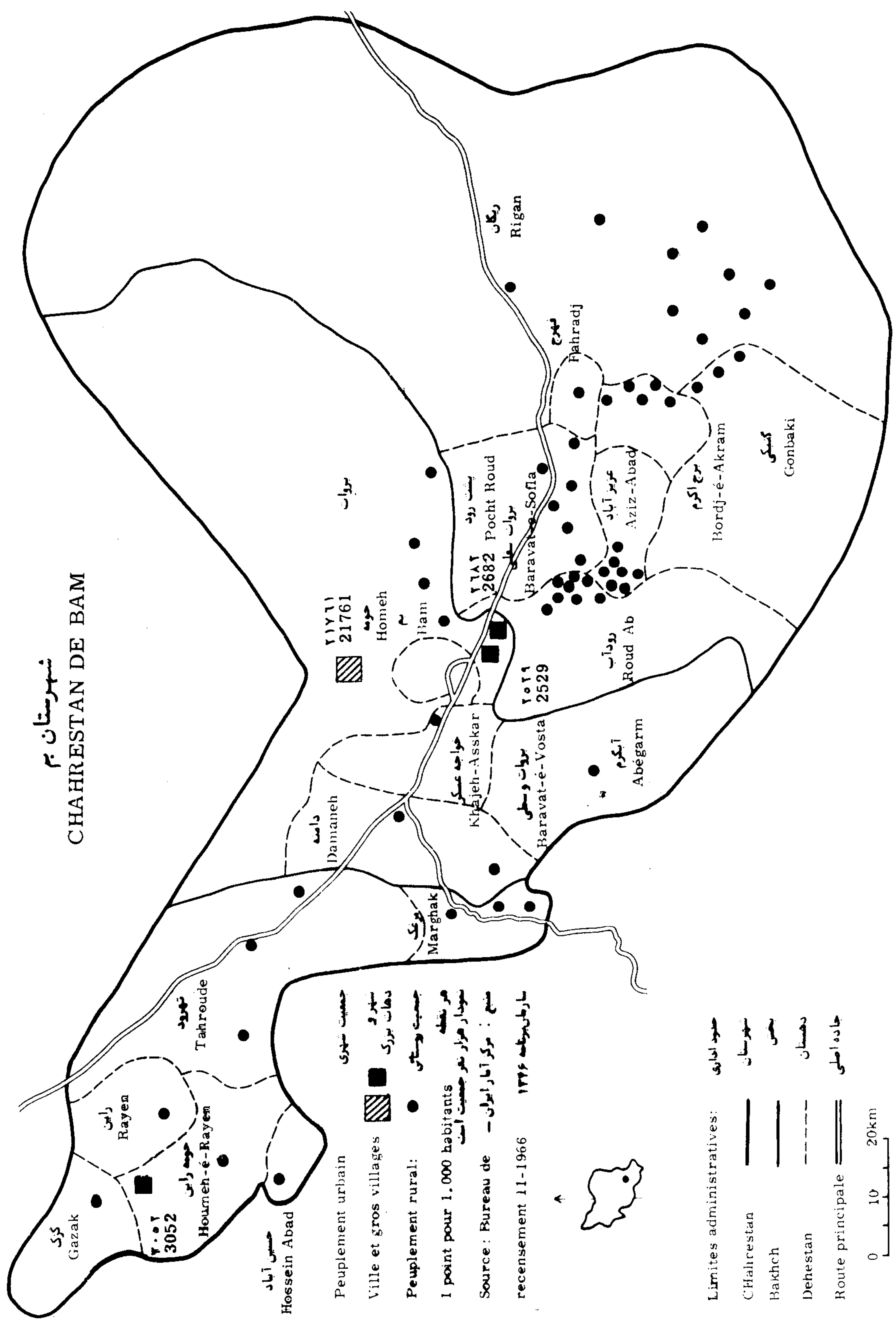


Figure-1 نقشه شماره ۱

مطابق آمارگیری سال ۱۳۴۵ در شهرستان بم ۱۸۴۱۹ خانوار منفرد که تعداد آنها جمعاً به ۸۸۴۳۰ نفر و سه خانوار دسته‌جمعی که تعداد آنها به ۷ نفر بالغ می‌شود وجود دارد. در شهر بم ۴۱۲۸ خانوار منفرد وجود دارد که جمعاً ۲۱۶۹۱ نفر را دربر می‌گیرد. به این ترتیب به‌طور متوسط هر خانوار منفرد در شهرستان بم شامل ۴/۸ نفر و در شهر بم شامل ۵/۸ نفر است. در شهرستان بم با در نظر گرفتن جمعیت مستقر و ثابت ۱۰۲/۴ نفر مرد برای هر ۱۰۰ نفر زن وجود دارد. میانگین سن ۲۱/۲ سال است. افراد کمتر از ۱۰ ساله ۳۶/۱٪ و کمتر از ۲۰ ساله ۵۷/۷٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند.

طبق آخرین سرشماری عمومی آبان‌ماه ۲۵۳۵ در شهرستان بم ۲۳۲۰۹ خانوار که تعداد آنها جمعاً به ۱۱۳۳۲۱ نفر بالغ می‌شود وجود دارد. در شهر بم ۶۰۸۲ خانوار وجود دارد که جمعاً ۳۰۴۴۲ نفر را دربر می‌گیرد. به این ترتیب ظرف یک دوره ده ساله (۱۳۴۵-۵۵) شهرستان بم افزایش جمعیتی برابر ۲۱۸۹۸ نفر و شهر بم افزایش جمعیتی برابر ۸۷۵۱ نفر داشته‌است. به عبارت دیگر به‌طور متوسط سالیانه ۲۱۸۹/۸ نفر به جمعیت شهرستان بم و ۸۷۵/۱ نفر به جمعیت شهر بم افزوده شده است که به ترتیب ضرایب افزایشی جمعیتی در حدود ۰۲/۱۸٪ را برای شهرستان بم و ۰۸۷٪ را برای شهر بم خاطر نشان می‌سازد. با در نظر گرفتن نتایج سرشماری جدید ۷۳/۲٪ جمعیت شهرستان بم روستائین و ۲۶/۸٪ بقیه شهرنشین هستند که در شهر بم سکونت دارند. به‌طور متوسط هر خانوار در شهرستان بم شامل ۴ نفر و در شهر بم شامل ۵ نفر است. در شهرستان بم حدود ۵۰/۲٪ جمعیت زن و ۴۹/۸٪ مرد و در شهر بم ۴۹/۹٪ جمعیت زن و ۵۰/۱٪ جمعیت مرد است.

زبان رسمی فارسی است که با خصوصیات محلی تکلم می‌گردد. زبان بلوچی گاهی به وسیله اهالی ریگان و فهرج تکلم می‌شود. ۹۹/۷٪ جمعیت شهرستان مسلمان است. در حدود ۱۵۶ نفر زرتشتی که ۰/۲٪ جمعیت را تشکیل می‌دهند وجود دارند که اکثراً در شهر بم زندگی می‌کنند. ۱۰/۱٪ بقیه به اقلیت‌های مذهبی

گوناگون تعلق دارد. میزان درصد باسوادی از سن ۷ به بالا ۲۴٫۸٪ است و رقم مربوط برای مردان ۳۳٫۶٪ و برای زنان ۱۵٫۸٪ است. در شهر بم این رقم برای تمامی جمعیت ۴۵٪ (۴۴٫۵٪ برای مردان و ۳۵٫۵٪ برای زنان). آمار مربوط به مذهب و درصد باسوادی تنها مربوط به آمارگیری سال ۱۳۴۵ می باشد و آخرین نتایج منتشره سرشماری عمومی آبانماه ۲۰۳۰ فعلا اطلاعات جدیدی در این خصوص در اختیار ما قرار نمی دهد.

جمعیت نسبی طبق آمار جمعیتی ۱۳۴۵ در شهرستان بم ۷۴ نفر در کیلومتر مربع و در حوضه بم و نرماشیر ۶۳ نفر است. این ارقام تراکم نسبی با در نظر گرفتن نتایج سرشماری عمومی آبانماه ۲۰۳۰ به ترتیب عبارتند از: ۸۰ و ۷۴ نفر در کیلومتر مربع. ولی رقم جمعیت نسبی نمی تواند چگونگی پراکندگی جمعیت را در این منطقه آشکار سازد. با مطالعه نقشه تراکم جمعیت (شکل شماره ۱) ملاحظه می کنیم که جمعیت به یک نسبت در این حوضه پخش نشده است. در حقیقت می توان گفت که عوامل طبیعی و سیاسی و اقتصادی در توجیه پراکندگی جمعیت نقش مؤثری دارند. مناطق شمال، شمال شرقی و مشرق واحه های بم و نرماشیر در حاشیه لوت قرار دارند و از این رو خطر خشکی و پیشرفت بیابان در قلمرو انسان در آنجا ظاهر است و تراکم جمعیتی کم را توجیه می نمایند. نواحی کوهستانی ده بکری و راین می تواند به صورت منطقه حد واسط بین قسمت های بسیار کم جمعیت شمال، شمال شرقی و مشرق (واحه های بم و نرماشیر) و قسمت های پر جمعیت اطراف شهر بم و دشت نرماشیر در نظر گرفته شود. وسعت زمین های زیر کشت در منطقه کوهستانی به مراتب کمتر از نواحی دیگر واحه های بم و نرماشیر است و این امر بر پایه موانع کوهستانی که امتداد زمین های کشاورزی را محدود می نماید قابل توجیه است. این موانع کوهستانی به نوبه خود روش پراکندگی جمعیت را تحت الشعاع قرار می دهد. تمرکز جمعیت در اطراف شهر بم بر اثر علل سیاسی و تجاری (بازار فروش محصولات) و نظایر آن قابل توجیه است. در قسمت های جنوب و

جنوب شرقی نرماشیر که تنها رودخانه دائمی منطقه (نسا) جریان دارد و بهترین قنوات و چاه‌ها و زمین‌های کشاورزی وجود دارد بیشترین تراکم جمعیتی به چشم می‌خورد

منابع آب:

در منطقه کوهستانی زمین‌های زراعتی به وسیله چشمه‌سارها، قنوات و رودخانه‌های موقتی مشروب می‌شود. دامنه‌های جنوب غربی کوه‌های کرمان و دامنه‌های شمالی کوه هزاران، کوه راین و کوه ده بگری در امتداد جبال بارز حوضه آبگیر مسیل‌هایی است که در دو شعبه جداگانه در حوالی آبادی سروستان به هم می‌پیوندند و به اسم تهرود از شمال شهر بزم می‌گذرد (شکل شماره ۱)*. این تهرود دائمی منطقه است که ۲۸ ده را در امتداد بستر خود مشروب می‌نماید. ولی میزان آب آن کم است و به همین جهت بعد از هر انحرافی (بند) بستر تهرود خشک است، ولی بعد از مسافتی مجدداً چشمه‌سارهایی در بستر ظاهر شده و جویبار کوچکی در یکی از مسیل‌ها جریان می‌یابد. دهاتی که به وسیله تهرود مشروب می‌شوند حق‌آبه معین و مشخصی ندارند و توزیع آب این رودخانه طبق رسوم و نیازمندیهای محلی انجام می‌شود. به این ترتیب که ابتدا دهاتی که در بالای رود قرار دارند آب می‌گیرند و سپس روستاهایی که در پایین آن واقعند از آبهای باقی‌مانده رود (بقیة الشرب) برخوردار می‌شوند. تمام دهاتی که به وسیله تهرود مشروب می‌شوند دارای بندهایی هستند که آب را به داخل ده مربوط هدایت می‌کند. در فصول بارانی زمستان و بهار فاضل‌آب‌های تهرود از شمال شهر بزم عبور می‌کند و اسم آن عوض شده به نام‌های رود بزم یا رود ارك یا رود قلعه یا رود پشت نامیده می‌شود. آنگاه آب‌های آن به صورت مسیل‌های متعددی در لوت‌زنگی احمد فرو می‌رود (شکل شماره ۱).

۱ - برای ترسیم شبکه آبهای حوضه بزم و نرماشیر از نقشه حوضه آبگیر لوت تهیه شده در موسسه جغرافیای دانشگاه تهران منضم به نشریه شماره ۳ گزارش‌های جغرافیایی نگارش آقایان پرویز کردوانی و فرج‌الله محمودی مردادماه ۱۳۴۹ استفاده شده است. نگارنده همچنین صحت اطلاعات مربوط به شبکه آبهای حوضه بزم و نرماشیر را در محل کنترل نموده است. لازم به تذکر است که در اینجاست منظور از شکل شماره ۱ - شکل شماره ۱ از مطلب اول این مجموعه است.

آب‌برها و مسیل‌های دامنه جنوب غربی کوه راین و دامنه شمالی کوه هزاران متوجه دره راین شده و به صورت همگرا در حوالی راین به هم می‌رسند. بستر این رود از راین به سمت مشرق و جنوب شرقی پهن و آبرفتی است و مسیل‌های موازی دامنه جنوب غربی کوه قبله (در مغرب گوک) نرسیده به ابارق به آن ختم می‌شوند.

در جنوب این حوضه دامنه‌های شمال شرقی کوه هزاران و کوه پایین و کوه ده‌بکری حوضه آبگیر شعبه دیگری از تهرود است که با شاخه‌های متعدد در دره گود بین کوه هزاران و کوه پایین متمرکز می‌شود و در جهت شمال شرقی از ارتفاعات آذرین خارج شده موازی با شعبه راین به ابارق نزدیک می‌شود. این دو شعبه در حوالی سروستان به هم رسیده و در بستر آبرفتی درهم و نامنظمی تا شهر بم ادامه دارد.

در شمال جاده کرمان - بم کوه خانه خاتون و دامنه جنوبی ارتفاعات آذرین شمال بم حوضه آبگیر مسیل‌های دیگری است که به طور درهم و واگرا در طول چندین کیلومتر از دازین تا حاجی‌عسکر، به تهرود ختم می‌شوند. وضع مسیل‌ها و آب‌برهای حوضه جنوب تهرود بسیار نامنظم‌تر است و در سراسر دشت همه جا آثار سیلاب‌های قدیم و جدید مشاهده می‌شود. تمام این مسیل‌ها از دامنه‌های شمالی و شرقی کوه کپی و دامنه شمالی جبال بارز سرچشمه می‌گیرند و به طور متقاطع به بستر تهرود می‌رسند.

مهمترین شعبه تهرود رود ده بکری است که از ارتفاعات فاش کوه، جبال بارز و کوه ده بکری سرچشمه گرفته و دره‌های آبرفتی پهنی بین این کوه‌ها حفر کرده است. قسمت بیشتری از این مسیل‌ها به طور مستقیم در مغرب شهر بم به تهرود می‌رسد. اما آب‌برهای شرقی آن با توجه به شیب پایکوه ابتدا متوجه شهر بم شده و سپس در جنوب غربی آن با پی‌مودن قوسی به جنوب شرقی منحرف می‌شوند و به مسیل عزیزآباد - فهرج ختم می‌گردند.

تمام دهاتی که به وسیله رود ده بکری مشروب می‌شوند دارای حق آب‌سه

ثبت شده هستند و حق آبه هرده متناسب است با وسعت زمین‌هایی که آن ده داراست. ولی همچنانکه برای تهرود تشریح گردید دهاتی که در بستر علیای رود قرار دارند نسبت به دهات واقع در بستر سفلی دارای امتیاز می‌باشند زیرا که دهات اخیر عملاً فقط از بقیة الشرب رود مربوط استفاده می‌کنند. کلیه دهاتی که به وسیله رود ده بکری مشروب می‌شوند به مانند تهرود دارای بندهایی هستند که آب رود را به داخل ده مربوط هدایت می‌کند.

رودخانه‌های موقت این منطقه عبارتند از: جزین، مرغک و دلیجان که از برف قتل جبال بارز سرچشمه می‌گیرند. تمام این رودخانه‌ها شعبات رودارک یا بم می‌باشند.

طول قنوات در منطقه کوهستانی عموماً کم و در حدود ۱۰۰ متر الی ۱۵ کیلومتر است. میزان آبدهی قنوات این منطقه به مراتب کمتر از قنواتی است که در منطقه نرماشیر واقعند. علت کمبود آب این قنوات سختی اراضی است چنانکه مقنی‌ها در عملیات حفر چاه در این مناطق با دشواری بسیار روبرو هستند. دردهات منطقه ده بکری آب قسمت اعظم قنوات وارد حوضچه یا استخری شده و پس از آنکه بر رویهم انباشته شد راه آب را باز می‌کنند و آب را به وسیله نهرهای کوچکی به مزارع و باغها هدایت می‌نمایند (عکس شماره ۴). این تکنیک که به منظور صرفه‌جویی در استفاده از آب مورد استفاده قرار می‌گیرد فقط در این منطقه معمول است و استثنائاً ممکن است در منطقه نرماشیر که حجم آب تأمین شده به وسیله قنوات قابل توجه است ملاحظه شود. در منطقه کوهستانی چاه‌هایی به عمق ۸۰ تا ۹۰ متر (قریه دارزین در ۲۸ کیلومتری غرب بم برای مثال) حفر شده ولی به آب نرسیده‌اند و در نتیجه مالک یا مالکان مربوط عملیات حفر چاه را ترك نموده‌اند. در نقاطی که امکان حفر چاه وجود داشته، مثل آبادی سروستان چاه‌های عمیق حفر گردیده است. عدم موفقیت در عملیات حفر چاه در منطقه کوهستانی با توجه به علل زیر قابل توجیه است:

- ۱- وجود موانع کوهستانی و در نتیجه سختی اراضی؛
- ۲- عمق سفره آب که به مراتب بیشتر از منطقه نرماشیر است؛
- ۳- ارزش اقتصادی فرآورده های کشاورزی در این منطقه بدان اندازه نیست که سرمایه گذاری در عملیات حفر چاه های عمیق و نیمه عمیق را مقرون به صرفه نماید مگر اینکه مثلاً عموم زارعین منطقه ده بگری در سرمایه گذاری دوچاه عمیق باهم شریک شوند.

گردش آب قنات و یا چگونگی توزیع آب قنات در منطقه بهم و نرماشیر قبلاً در گزارش های جغرافیایی نشریه شماره ۱* مورد بررسی قرار گرفته است. در اینجا از تکرار مطلب خود داری می شود و فقط نگارنده برای خوانندگان محترم تداومی می نماید که در مورد توزیع آب قنات در حوضه بهم و نرماشیر سه طریق مختلف تمیز داده شد :

- ۱- موردی که یک قنات یک ده را مشروب کند؛
 - ۲- موردی که دو یا چند ده از آب یک قنات برخوردار شوند؛
 - ۳- موردی که یک ده از آب دو یا چند قنات استفاده کند.
- در منطقه کوهستانی ، مورد اول و سوم از موارد معمول می باشند ولی در مورد سوم باید اضافه شود که دهات تماماً دارای قنات منحصر به خود می باشند در صورتی که در دشت بهم و نرماشیر دهات لزوماً دارای قنات انحصاری نمی باشند و چه بسا که دو یا چند قناتی که یک ده را مشروب می کنند به دهات دیگر نیز آب بدهند .

۱ - دارستان : آخرین آبادی حاشیه لوت ، نگارش پریدخت فشارکی ، نشریه

شماره ۱ ، موسسه جغرافیای دانشگاه تهران ، آبان ماه ۱۳۴۹ .



عکس شماره ۴ - حوضچه یا استخرقنات کهن سیر

محصولات کشاورزی و پراکندگی جغرافیایی آنها:

در حقیقت می‌توان محصولات کشاورزی حوضه بهم‌ونرماشیر را ذیل سه طبقه بندی عمده مورد ملاحظه و بررسی قرار داد:

۱- محصولات زمستانه «شتوی»

۲- محصولات تابستانه «صیفی»^۱.*

۳- باغهای میوه

محصولات زمستانه، «شتوی»، نه فقط در ده بکری بلکه در سراسر حوضه بهم‌ونرماشیر مرکب از گندم و جو است و محصولات تابستانه «صیفی» در دهستان دامنه شامل بقولات، ارزن، شلغم، یونجه و سبزیها و در دهستان مرغک عبارت از بقولات، سیب‌زمینی، طالبی، شلغم، پیاز و یونجه است. شتوی (گندم و جو) در حوضه بهم‌ونرماشیر نسبت به دو طبقه بندی عمده دیگر محصولات کشاورزی بیشترین وسعت را دارا است (به ویژه در نرماشیر)^۲.* این امر در اکثر موارد در مقیاس دهستان نیز صادق است. دهستان‌هایی که به علل مختلف از این امر استثناء می‌باشند عبارتند از: راین، دامنه، آبگرم و حسین‌آباد که از این میان تنها دهستان دامنه مستقیماً مورد مطالعه ما است. در دهستان راین باغهای میوه (به ویژه پسته) وسیعترین سطح کشاورزی را نسبت به محصولات دیگر زراعی، داراست و از این جهت

۱- در فرهنگ آبادی‌های کشورهای سایر محصولات زمینی به غیر از گندم و جو به نام «سایر محصولات زراعی» آمده است و شاید علت این وجه تسمیه اهمیت کمتر این محصولات در مقام مقایسه با گندم و جو «شتوی» باشد.

۲- برای تجسم بهتر محصولات کشاورزی و پراکندگی جغرافیایی آنها در منطقه ده‌بکری ضرورت یافته است که از مناطق دیگر حوضه در مقام مقایسه با منطقه مورد مطالعه سخن رانده شود. ناگزیر معدودی از مطالب مندرج در مطلب اول این مجموعه: «پراکندگی جغرافیایی محصولات کشاورزی در واحه‌های بهم‌ونرماشیر» در صفحات ۳۱ - ۲۹ ده‌بکری تداعی شده‌اند.

از سایر دهستانها مستثنی است. درسه دهستان دیگر غلات یا نسبت به باغهای میوه و یا نسبت به «سایر محصولات زراعی» سطح کوچکتری را اشغال می کند و شاید علت این امر ناهمواری منطقه است که باعث شده به کشت غلات اهمیت کمتری داده شود. همچنین صیفی تقریباً همه جا (به استثنای حسین آباد- مرکز عمده کشت سیب زمینی و پیاز- در این دهستان) «سایر محصولات زراعی» وسعتی به مراتب بیشتر از باغهای میوه و همچنین شتوی داراست) نسبت به گندم وجو و باغهای میوه وسعت کمی را داراست (به ویژه در حومه بم). در واقع می توان گفت که آبیاری محصولات تابستانه، به علت نیازمندی بیشتری که به آب دارند خاصه ظرف سالهای خشک امری دشوار است. طبقه «سایر محصولات زراعی» در منطقه کوهستانی واقع در جنوب غربی و غرب بم یعنی مناطق ده بکری و راین از سایر نواحی حوضه بم و نرماشیر متنوع تر است و در دشت بم و نرماشیر تنوع کمتری دارد. علت آن است که نرماشیر عمده ترین منطقه زراعی حوضه است که در آن کشت و زرع بیشتر حالت تخصصی و تجاری دارد، در حالی که منطقه کوهستانی از نظر زراعی حائز اهمیت کمتری است. در منطقه ده بکری علی رغم تنوع فوق العاده «سایر محصولات زراعی» این محصولات ارزش اقتصادی به مراتب کمتری نسبت به «سایر محصولات زراعی» دشت بم و نرماشیر دارند. این محصولات به استثنای سیب زمینی تماماً در محل مصرف می شود و اضافه محصولی برای فروش^۱ باقی نمی ماند. در عوض در میان «سایر محصولات زراعی» معدودتر دشت بم و نرماشیر حنا، وسمه و پنبه از جمله محصولاتی هستند که برای فروش به خارج از منطقه ارسال می گردند. تقریباً در سراسر حوضه باغهای میوه وسعتی به مراتب کوچکتر از غلات و بزرگتر از «سایر محصولات زراعی» را دربر می گیرند. باغهای میوه در واحه های بم و نرماشیر، مجموعه فوق العاده متنوعی را بدست می دهد ولی این تنوع همانند مورد «سایر محصولات زراعی» و به همان دلیل در مناطق ده بکری و راین به حد اعلی و در دشت بم و نرماشیر به حداقل خود می رسد.

تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین نوع محصولات دشت بم و نرماشیر و منطقه کوهستانی ده بکری وجود دارد. از بم به طرف غرب، منطقه خواجه عسکر (۱۰ کیلومتری بم) مرز جغرافیایی دقیقی است که در غرب آن دیگر محصولاتی چون خرما، پرتغال، حنا و وسه که در جلگه گرم بم و نرماشیر قابل رویش است به چشم نمی‌خورد. همچنانکه از بم فاصله گرفته به طرف غرب و جنوب غربی (منطقه ده بکری) پیش می‌رویم ملاحظه می‌کنیم که :

اولاً وسعت زمین‌های کشاورزی به علت طبیعت ناهموار و موانع کوهستانی منطقه کوچکتر و کوچکتر می‌شود؛

ثانیاً در نوع محصولات باغی تفاوت قابل ملاحظه‌ای پدید می‌آید و محصولاتی چون زردآلو، سیب (سیب ایرانی گلاب و سیب لبنانی)، گلابی، هلو، پسته در پای کوهها و گردو، انگور و نظایر آن به علت اقلیم سردتر منطقه جایگزین محصولات گرمسیری می‌شوند. در عوض صیفی منطقه مرکب از: سیب زمینی، پیاز، ارزن، سبزیها ((خیار و گوجه فرنگی) و گل آفتاب گردان (معمولاً در حاشیه مزارع صیفی یا در داخل مزارع سیب زمینی کشت می‌کنند) نه در بروات و نه در نرماشیر پرورش نمی‌یابد. درختان پسته بیشتر در مناطق راین و تهرود و ابارق روئیده و در ده بکری اهمیت به مراتب کمتری دارند. علت این امر: اولاً آب و هوای سرد ده بکری است که مانع رشد موفقیت‌آمیز درختان پسته می‌شود؛ ثانیاً خاک و آب شورتر راین و تهرود و ابارق نسبت به منطقه ده بکری که بیشتر جهت کشت پسته مناسب است؛ و ثالثاً خاک‌های شنی و ماسه‌ای تر منطقه ده بکری که به کار کشت این محصول نمی‌آید. به این ترتیب درختان پسته بسیار معدودی در مناطق آبگرم و دامنه به چشم می‌خورد (درهریک از این دو منطقه تنها یک ده دارای درختان پسته است). تابلوی زیر سطح زیر کشت انواع بهره برداری‌های کشاورزی رابه تفکیک دهستان در منطقه ده بکری نشان می‌دهد.

سطح زیر کشت انواع بهره‌برداری‌های کشاورزی* *

دهستان دامنه (به هکتار)	دهستان مرغک (به هکتار)	انواع بهره‌برداری‌های کشاورزی
۱۵۱/۸	۲۶۳/۴	گندم آبی
—	۳	گندم دیم
۱۵۱/۸	۲۶۶/۴	جمع کل کشت گندم
۳۰	۵	جو آبی
—	—	جو دیم
۳۰	۵	جمع کل کشت جو
۱۸۱/۸	۲۷۱/۴	جمع کل کشت گندم و جو
۹۴	۱۹	سایر محصولات زراعی
۲۰۰/۸	۳۶۲/۴	جمع کل کشت زمینی
۱۴۸	۱۹۸	باغ و قلمستان
۵۱۰/۴	۳۹۸/۸	جمع کل زمین‌های زیر کشت
۱۰۸/۶	۲۵۴	آیش
۵۰۰	۳۶۱۲	مرتع طبیعی
۲۸۸۸	۳۷۶	جنگل
۵۴۵	۴۷۶	اراضی بایر قابل دایر شدن
۲۵۵	۲۸	اراضی بایر غیر قابل دایر شدن

۱ - استخراج از فرهنگ آبادی‌های کشور؛ جلد بیستم استان کرمان، از انتشارات مرکز آمار ایران، براساس نتایج سرشماری عمومی آبانماه ۱۳۴۵، چاپ اول تیرماه ۱۳۴۹.

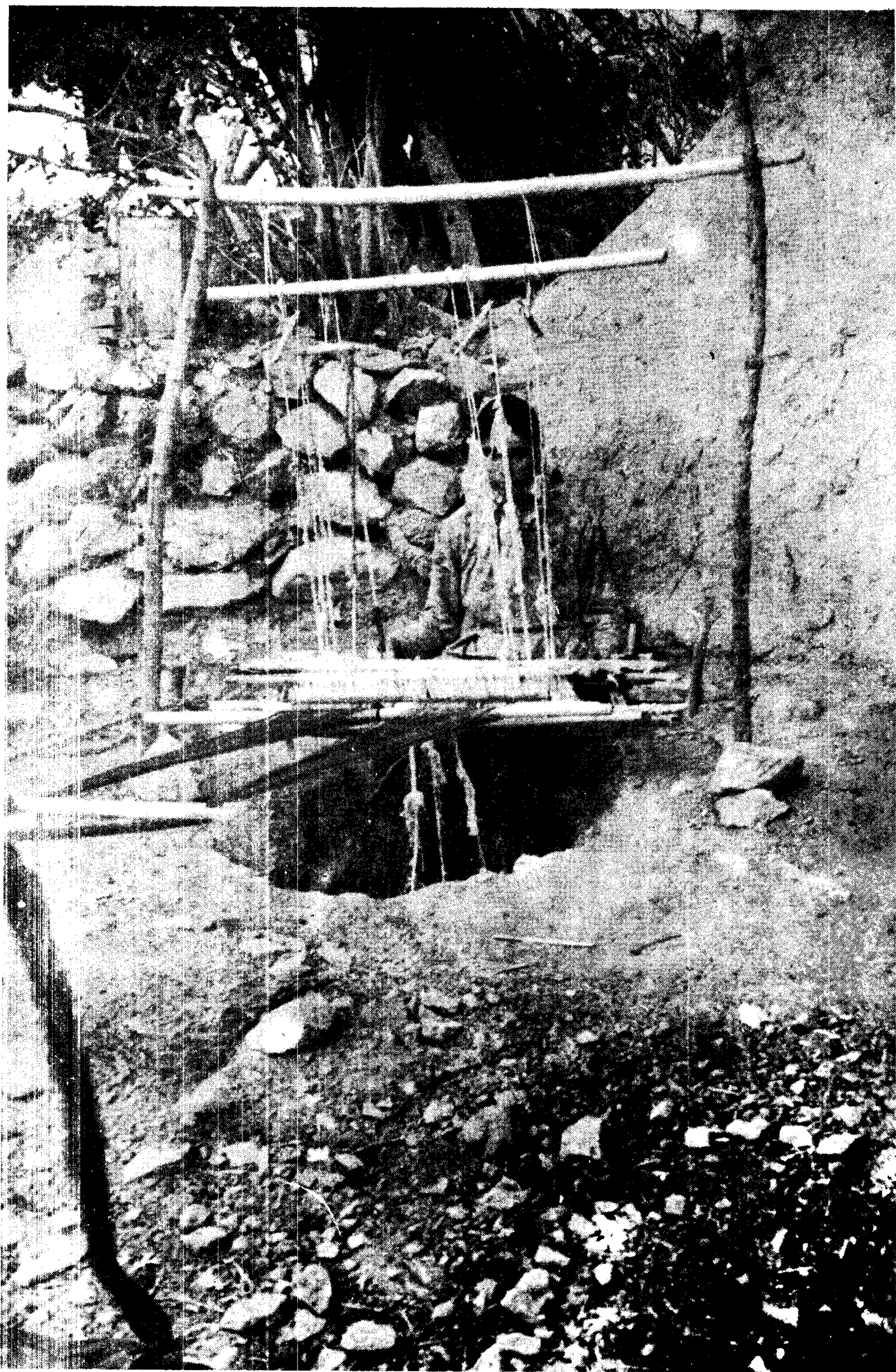
منابع معیشت :

در مناطق بروات و نرماشیر کشاورزی فعالیت اقتصادی عمده اصلی محسوب شده و دامداری بمنزله فعالیت مکمل معمول می‌باشد^۱* درحالی که در منطقه کوهستانی، برعکس، دامداری فعالیت اقتصادی عمده مردم را تشکیل می‌دهد و کشاورزی به صورت فعالیت اقتصادی مکمل انجام می‌شود. درآمدهای حاصل از کشاورزی در این منطقه به مراتب کمتر از دامداری است. دام‌های منطقه اکثراً مرکب از بز، گاو میش، تعداد کمی گاو و طیور است. این حیوانات بیلاق و قشلاق ندارند و فقط در فاصله‌ای به شعاع حداکثر ۱۰ کیلو متر جابجا می‌شوند. تعداد حیواناتی که به هر خانواده کشاورز یا مالک متعلق است مختلف می‌باشد ولی به طور متوسط به ۲ الی ۲ بز و گاو میش، یک الی دو گاو یا هیچ و ۰ تا ۱ مرغ و خروس بالغ می‌شود. طیور غالباً به بیماری دچار می‌شوند و این خصوصیتی است که در سراسر حوضه بوم و نرماشیر ملاحظه می‌شود. یک قسمت از جمعیت ده بگری غیر مستقر است. به این ترتیب که از اواخر تابستان به بعد اکثر مالکان روستاهای خود را ترک نموده به بوم و جیرفت می‌روند و در آنجا دست به فعالیت‌های مختلف می‌زنند. این مالکان در اواخر بهار به دهات خود برمی‌گردند و تا اواخر تابستان در آنجا می‌مانند و آنگاه مجدداً به بوم و جیرفت می‌روند و هر ساله این عمل را تکرار می‌کنند. جمعیت مستقر منطقه ده بگری مرکب از زارعان^۲* و مالکان کوچک است. در اینجا لازم است فرق بین مسافرت‌های فصلی زارعین بروات (۳ کیلو-متری شرق بوم) و مسافرت‌های مالکین ده بگری را متذکر باشیم. مسافرت مالکین جنبه لوکس و تجملی را دارد. طبیعی است که در اینجا مالکین ترجیح می‌دهند که

۱ - به مقاله دارستان : آخرین آبادی حاشیه لوت مراجعه کنید .

۲ - تعریفی از کلمه «زارع» در این منطقه در قسمت مربوط به مسأله مالکیت و اصلاحات ارضی خواهد گردید .

در طی فصل سرد زمستان دردهات خود نمانده و به جای دیگر بروند. این مالکین نه فقط می‌توانند طی فصل مذکور زندگی راحت‌تر و مطبوع‌تری را در شهرهای بم و جیرفت بگذرانند بلکه همچنین پول و درآمد بیشتری بدست آورند. برعکس مسافرت فصلی ساکنان منطقه بروات اجباراً و جهت رفع نیازمندیهای اقتصادی انجام می‌گیرد. اینها در جستجوی کار به نواحی بندرعباس، کرمان و جیرفت می‌روند و به کار عملگی می‌پردازند و هر دوسه ماه یکبار پس از آنکه ذخیره‌ای اندوختند به ده خود مراجعت نموده و دوسه ماهی در آنجا می‌مانند و همینکه پول‌های اندوخته را خرج کردند مجدداً به دنبال کار به نواحی مزبور می‌روند. فعالیت ساکنان مستقر منطقه ده‌بکری در ظرف زمستان خیلی محدود است. در نواحی کوهستانی گندم در مهرماه کشت می‌شود و تا ماه فروردین آبیاری نمی‌شود و در تیرماه درو می‌گردد. تمام کشت‌های تابستانه که حدود اول فروردین کاشته می‌شود در حدود اواخر مهرماه برداشت می‌شود. به این ترتیب از تاریخ اخیر تا اول فروردین هیچ‌فعالیتهایی در منطقه ملاحظه نمی‌شود. در مناطق پسته خیز تنها فعالیت زمستانه مراقبت و مواظبت از درختان و کود دادن و آماده کردن زمین است. در ایام برفی دیگر درختان پسته آبیاری نمی‌شوند و خارج از این ایام یکماه یکبار آبیاری می‌شوند. در دهات اربابی (راین) که زمین‌های مزروعی به وسیله کارگر کشاورزی کشت می‌شود کارگران در فصل زمستان از باغها مراقبت و مواظبت نموده و به شخم زدن و آماده کردن زمین می‌پردازند. همچنین گاهی اوقات زارعین در زمستان زمین را برای کشت سیب زمینی آماده می‌سازند. کارهای دستی منطقه که بدست زنان صورت می‌گیرد محدود و منحصر می‌شود به نخ پیچی از پشم گوسفند و بافت چادر شب (به عکس‌های شماره ۶۰۵ مراجعه شود).



عکس شماره ۵ - دستگاه بافت چاد رشب - باغ خوش (باغ خشک) ، ده بکری



عکس شماره ۶ - دستگاه نخ پیچی از شمش کوسفند، باغ خوش، ده بکری

مسأله مالکیت و اصلاحات ارضی:

در این منطقه روش خرده مالکی همواره غلبه داشته و علت این امر طبیعت کوهستانی منطقه است. درحقیقت وسعت کم زمین های مزروعی که خود حاصل وجود موانع کوهستانی است مانع از نمو بزرگ مالکی شده است و بزرگ مالکین خارج از منطقه نیز نفع چندانی درقبضه کردن اراضی این محل جستجو نمی نموده اند. نتیجه اینکه اجرای مرحله اول اصلاحات ارضی (تحدید مالکیت) دراین منطقه ضرورت نیافته است مگر در پاره ای موارد استثنائی. ولی مرحله دوم اصلاحات ارضی (اجاره) به مرحله اجرا درآمده و سرانجام به مرحله سوم اصلاحات ارضی یعنی مراحل فروش یا تقسیم منتهی شده است. به این ترتیب مالکان کوچکی که قبل از اجرای اصلاحات ارضی شخصاً زمین های خود را کشت می کردند در زمان حاضر همین کار را انجام می دهند. زارعین و مالکینی که محصولات کشاورزی را براساس $\frac{1}{3}$ و $\frac{2}{3}$ بین خود تقسیم می نمودند هنوز هم همین روش را ادامه می دهند منتهی با این تفاوت که سابقاً زارعین به روی آب و زمین مالک کار می کردند و خود مالک آب و زمین نبودند، درحالی که امروزه به نسبت $\frac{1}{3}$ درمقابل $\frac{2}{3}$ سهم مالک در این آب و زمین سهیم و شریک شده اند. همچنین مواردی وجود دارد که یا زمین های مالکان به زارعان فروخته شده است و یا بین زارعین تقسیم گردیده است. در مورد اخیر یا عمل تقسیم طوری صورت گرفته است که زارع و مالک هر یک سهم خود را کشت می کنند و یا به این صورت که زارع علاوه بر زمین خود زمین مالک را نیز می کارد و به همان نسبت $\frac{1}{3}$ از مالک سهم دریافت می کند.

کلمه «زارع» در منطقه ده بکری مفهوم ویژه ای دارد و منظور از این کلمه سرایدارانی هستند که ظرف فصل زمستان که هیچگونه فعالیت کشاورزی وجود ندارد در محل می مانند و در غیاب مالکان از منطقه نگهداری و مراقبت می کنند. این زارعین در فصول دیگر به کارهای کشاورزی کمک می کنند. در ده بکری

حدود متجاوز از . ه خانواده زارع با مفهوم مذکور در فوق در مقابل ۱ مالک وجود دارد . در سراسر منطقه کوهستانی همچین باغبانانی وجود دارند که از باغهای میوه درغیاب مالکانی که ظرف فصول زمستان و بهار از دهات خود غایبند نگهداری و مراقبت می نمایند . این مالکان به باغبانان مبلغ ثابتی به صورت نقد یا جنس و یا ترکیبی از هر دو پرداخت می نمایند و میزان این مبلغ از دهی به ده دیگر متفاوت است .

تطبیق هر قانون، هرچقدر نیز اصولی و مفید باشد، با هر محیط طبیعی یا انسانی در ابتدا با موانع و مشکلات فراوانی مواجه می گردد . عواملی چون مرور زمان، سطح فرهنگ عمومی، کفایت قانون و کاردانی در نحوه اجرای آن است که مثر شدن قانون مربوط را باعث شده احترام و اعتقاد مردم را برمی انگیزد . به دنبال اجرای مراحل مختلف اصلاحات ارضی در حوضه بم و نرماشیر تعدادی مسائل اجتماعی - اقتصادی پدید آمده است که با عامل مرور زمان و حسن جریان امور به تدریج مرتفع می گردند . خرده مالکانی که با اجرای اصلاحات ارضی صاحب آب و زمین شده اند سال های مدید از نظر اداره و سرمایه تحت نظر مالکین بزرگ و یا اربابان خود بوده اند و این امر مانع از این شده است که آنها بتوانند به تنهایی با مشکلات خود مواجه شده و به حل آنها بپردازند . نتیجه اینکه غالباً برای انجام مسؤلیت هایی که به تازگی با آن روبرو شده اند کارآزموده نیستند . فقر، عدم کاردانی، فقدان تکنیک و سرمایه و سازمان و تشکیلات صحیح نزد خرده مالکان جدید عمران و آبادی مناطق را به تعویق می اندازد و برای جلوگیری از این امر دوره های آموزش روستایی کاملاً ضروری به نظر می رسد .

از جمله مسائلی که متعاقب اجرای اصلاحات ارضی وضع دشوارتری یافته مسأله آب است . طبیعی است که قنوات احتیاج به تعمیرات گران و پرخرجی که مستلزم سرمایه گذاری عظیم است دارند . مالکان بزرگی که از سهم شدن زارع در آب و زمین متعلق به آنها ناراضی هستند از پرداخت مخارج تعمیر قنات استنکاف

ورزیده جهت آبیاری باغهای میوه و کشت حنای خود به حفر چاه‌های عمیق می‌پردازند. ولی زارعی که به دنبال اصلاحات ارضی صاحب آب وزمین شده است چه می‌تواند بکند؟ او نه قادر است مخارج حفر چاه را بپردازد و نه می‌تواند به تنهایی مخارج تعمیر قنات را تحمل نماید. شرکت‌های تعاونی نیز به قدر کافی تقویت نشده‌اند تا بتوانند سرمایه‌ای را که سابقاً ارباب جهت زارع خود فراهم می‌ساخته است برای او تأمین نمایند. بعلاوه حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق مقرون به صرفه نیست مگر برای باغ و کشت حنا و صیفی درحالی که خرده مالکان اصلاحات ارضی اکثراً تنها مالک «کشت زمینی» می‌باشند؛ این مسائل طبیعتاً از وسعت و بازده زمین‌های کشاورزی کاسته است. مسأله دیگر مربوط به حفر چاه در نزدیکی قنات و در نتیجه خشکاندن آب آنها است. ولی این مسأله در ده بکری مصداق ندارد زیرا که به علت سختی اراضی حفر چاه ندرتاً موفقیت‌آمیز است. مسائل کلی فوق‌الذکر که مبتلا به سراسر حوضه بهم و نرماشیر است اثرات خود را به مقیاس کوچکتی در منطقه ده بکری ظاهر می‌سازد، زیرا که این منطقه در اصل منطقه‌ای خرده مالکی بوده و بنا براین همچنانکه ذکر شد اجرای مرحله اول اصلاحات ارضی ضرورت نیافته است.

شرکت‌های تعاونی:

منظور از ایجاد شرکت‌های تعاونی تأمین احتیاجات محلی کشاورزان از قبیل بذر، کودشیمیایی، دفع سموم و آفات زراعی، خریداری تراکتور و تأمین آب زراعتی از راه تعمیر قنات و حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق (خرید موتور چاه عمیق و نیمه عمیق در ده بکری مورد ندارد) به کمک وام‌های کشاورزی است. این وام‌ها تحت نظر هیئت مدیره شرکت قابل پرداخت است و قاعدتاً میزان آن باید متناسب با سطح زیرکشتی که هر زارع داراست باشد و با در نظر گرفتن بنیه مالی او تعیین گردد.

انواع وام‌های کشاورزی : درحقیقت سه نوع وام کشاورزی وجود دارد :

وام‌های فصلی که حداکثر مقدار آن سالیانه از ۲۰۰۰ ریال برای هر عضو تجاوز نمی‌کند و حداقل آن سالیانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ ریال برای هر عضو است. بنا به اظهار مسئولین شرکت‌های تعاونی حوضه بهم، از تابستان ۱۳۵۲ به این طرف حداکثر مقدار وام مذکور به ۳۰۰۰ ریال در سال رسیده است. این وام‌ها بایستی صرفاً به مصرف خریداری کود شیمیایی، بذر، گاو و کرایه جفت گاو برسد. مدت بازپرداخت این وام‌ها حداکثر یکسال است ولی عملاً کشاورزان از این وام‌ها استفاده نمی‌کنند مگر برای ۸ الی ۱۰ ماه زیرا که بهره همه این وام‌ها ۶٪ برای یکسال است و طبیعی است که اگر مبلغ وام زودتر پرداخت شود بهره آن کمتر خواهد بود. اصولاً در ابتدا بهره را محاسبه نموده و از کل وام کسر می‌کنند و باقیمانده را در اختیار وام‌گیرنده قرار می‌دهند. کشاورزان عضو جهت استفاده از این وام‌ها به طرز زنجیری یکدیگر را ضمانت می‌نمایند.

نوع دیگر از وام‌های کشاورزی وام‌هایی است که به منظور تأمین آب زراعتی پرداخت می‌شود. این وام‌ها به مدت دو سال قابل بازپرداخت است و مقدار آن حداکثر ۳۰۰۰ ریال برای هر عضو است. در اینجا نکته قابل ملاحظه این است که در سال ۱۳۴۷ حداکثر میزان وام مورد بحث ۱۰۰۰ ریال بوده است به طوری که کل مبلغ وام فصلی و وام مورد بحث از ۳۰۰۰ ریال تجاوز نمی‌نموده است. همچنین در موردی که زارع عضو می‌خواسته است به حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق مبادرت نماید، از حداکثر وامی که می‌توانسته است برخوردار گردد ۱۰۰۰ ریال بوده که با وام فصلی توأمأً میزان آن حداکثر به ۳۰۰۰ ریال بالغ می‌شده است. عضو شرکت تعاونی باید این وام دوم را تحت نظر هیئت مدیره محلی تنها به مصرف تعمیر قنات برساند. اصولاً نحوه پرداخت به این ترتیب است که کارشناس مخارج تعمیر قنات را تخمین می‌زند و این میزان را بین صاحبان آب این قنات به نسبت سهمی که دارند قسمت می‌کند. میزان بهره این وام مانند

وام‌های فصلی ۶٪ برای یکسال است. زارع مربوط پس از سپری شدن سال اول نصف وامی را که گرفته است (۳۰۰۰۰ ریال) پرداخت می‌کند و سال بعد نصف دیگر را به طوری که ابتدا، قبل از اینکه وام در اختیار زارع عضو قرار داده شود، به میزان ۶٪ از آن کسر می‌شود و به این صورت زارع بهره سال اول را در ابتدا پرداخت می‌نماید. سال بعد زارع نصف وام را می‌پردازد و مجدداً به میزان ۶٪ به عنوان بهره وام سال بعد از او کسر می‌گردد.

نوع سوم وام‌هایی است که به منظور خریداری تلمبه جهت چاه‌های عمیق و نیمه عمیق پرداخت می‌شود. حداکثر میزان این وام‌ها ۷۰۰۰۰ ریال برای یک مدت پنج‌ساله است. بهره این وام مجدداً ۶٪ برای مدت یکسال است و اعضایی که از این وام برخوردار می‌شوند موظفند هر سال $\frac{1}{6}$ کل مبلغ وام را بازپرداخت نمایند. چون به تدریج مخارج موتور چاه افزایش می‌یابد سازمان شرکت تعاونی اقساط اول را بیشتر مقرر نموده و قسط‌های بعدی را سبکتر تعیین می‌نماید و این عمل به صوابدید سازمان و شرکت تعاونی صورت می‌گیرد.

سرمایه شرکت‌های تعاونی : سرمایه شرکت‌های تعاونی به وسیله سهامی که به اعضاء فروخته می‌شود تأمین می‌گردد و ارزش هر سهم ۵۰۰ ریال است. هر زارعی می‌تواند به نسبت تعداد سهم‌هایی که خریداری نموده است از وام‌های شرکت‌های تعاونی استفاده کند. به عبارت دیگر مقدار وامی که به هر زارع تعلق می‌گیرد متناسب با میزان سرمایه‌گذاری او در شرکت‌های تعاونی است. درحقیقت هر زارع می‌تواند از مبلغ وامی مساوی با ۵ برابر سرمایه‌گذاری در شرکت تعاونی برخوردار گردد. ولی در قبال این اصل کلی همواره موارد استثنائی وجود دارد که ناشی از در نظر گرفتن وسعت زمین زیر کشت، مقدار آب قابل دسترس، سطح نیازمندیها و تصمیم و سیاست هیأت مدیره محلی شرکت‌های تعاونی است. درحقیقت در زمان کنونی برای نگارنده میسر نیست که میزان صحت و دقت در نحوه اداره شرکت‌های تعاونی حوضه بهم‌را ارزیابی نماید. امید است که این کار را با صرف وقت

ودقت و موشکافی بیشتر در محل پی گیری نموده و به انجام برساند .

بنابراصول و مقررات شرکت های تعاونی، افرادی می توانند به عضویت این شرکت ها در آیند که از طریق اصلاحات ارضی صاحب آب و ملک شده باشند ، یا اینکه آب و ملک متعلق به آنها در حدود سهام زارعان مشمول اصلاحات ارضی باشد .

ذیلا پاره ای از ارقام عمده مربوط به شرکت های تعاونی حوضه بم و نرماشیر که حاصل تحقیقات و اطلاعات محلی می باشند، درج می گردد :

تعداد شرکت های تعاونی در حوضه بم و نرماشیر ۴۲ است (تابستان ۱۳۵۲) که از این تعداد ۲۸ شرکت در نرماشیر، ۸ شرکت در اطراف شهر و بقیه در منطقه کوهستانی قرار دارند .

مبلغ کل سرمایه شرکت های تعاونی شهرستان در اسفندماه ۱۳۵۱ معادل ۲۵۶۱۲۰۰۰ ریال بوده است .

مبلغ وام پرداختی در سال مذکور ۷۵۷۰۰۰۰۰ ریال بوده است که به تفکیک عبارتست از :

وام فصلی ۷۴۰۰۰۰۰۰ ریال

وام تعمیر قنات ۱۰۷۰۰۰۰۰۰ ریال

اعتبار دریافتی شهرستان بم از سازمان مرکزی تعاونی ریال بوده است (به عنوان کمکی) . درحقیقت بعضی سازمانها و تشکیلات مملکتی مانند شرکت نفت و محصولات شیمیایی به شرکت های تعاونی کمک های مالی می دهند . وام هایی که این سازمان ها به شرکت های تعاونی می دهند به اقساط طویل المده بازپرداخت می شود .

میزان ذخیره شرکت های تعاونی در اسفندماه ۱۳۵۱ مبلغ ۷۱۶۶۳۲۰ ریال بوده است .

سرمایه اتحادیه تعاونی که متعلق به تمام این شرکت‌های تعاونی است
۱۶۰۰۰۰ ریال بوده است*.

گذشته از مبلغ ۷۰۷۰۰۰ ریال نامبرده در بالا وام دیگری به مبلغ
۳۵۴۰۰۰ ریال جهت خریداری تلمبه تحت عنوان وام کمکی نامبرده در بالا
در سال ۱۳۵۲ پرداخت شده است. در اینجا نکته قابل ملاحظه اینکه: اولاً تعداد
کل اعضای شرکت‌های تعاونی فقط ۱۰۷۰ نفر است، ثانیاً کل مبلغ وام پرداختی
۳۵۴۰۰۰ + ۷۰۷۰۰۰ ریال نامبرده در فوق فقط به ۹۰۶۴ نفر پرداخت
شده است. بدین صورت که وام فصلی (۷۴۰۰۰ ریال) به ۸۰۹۵ نفر،
وام تعمیر قنات (۱۱۷۰۰۰ ریال) به ۸۸ نفر و وام خریداری پمپ (۳۵۴۰۰۰
ریال) به ۲۶ نفر پرداخت شده است. سؤال جالبی که می‌توان در اینجا مطرح کرد
این است که چرا تعداد اعضای شرکت‌های تعاونی علی‌رغم احتیاجات حیاتی و فوری
زارعین اینقدر کم است. در این مورد نگارنده چنین تصور می‌کند که زارعان به خاطر
ترسی که از عدم موفقیت در پرداخت به موقع وام دریافتی دارند، به خودشان اجازه
برخورداری از وام‌های شرکت‌های تعاونی را نمی‌دهند. درحقیقت نه مبلغ وام‌های
پرداختی و نه مدت آنها جهت تأمین موفقیت زارعین در فعالیت‌های کشاورزی
مختلف کافی نیست. از طرفی در صورتی که زارع موفق نشود وام دریافتی را
به موقع بازپرداخت نماید فقیرتر از قبل از گردونه خارج می‌شود.

دکان‌های شرکت‌های تعاونی: در ۳۵ شرکت از ۴۲ شرکت تعاونی حوضه

بم و نرماشیر قسمتی از ساختمان شرکت به فروشگاه اختصاص یافته است که با
عرضه اجناسی چون قند، چای، برنج، صابون، گرد رختشویی و غیره نیازمندی‌های
اولیه اهالی منطقه روستایی مربوط را مرتفع می‌نماید. این فروشگاه‌ها با سرمایه
اتحادیه شرکت تعاونی شهر بم به وجود آمده است به این منظور که مردم احتیاجات
خود را از این مراکز خریداری نمایند، ضمن اینکه به سرمایه شرکت تعاونی نیز

۱ - ارقام مربوط به شرکت‌های تعاونی بخش راین را در بر نمی‌گیرد.

کمک می‌شود. به‌قراری که سرپرست شرکت تعاونی ده بکری مدعی است (تابستان ۱۳۵۲) نرخ اجناس برای عضو و غیر عضو یکی است. منتهی هر سال، در صورتی که سودی نصیب شرکت تعاونی مربوط شده باشد، این سود را بین اعضای شرکت تعاونی به نسبتی که از شرکت خرید نموده‌اند، تقسیم می‌کند. درحقیقت هر بار که کسی خرید می‌کند به او فاکتور خرید می‌دهند و نسخه‌ای از این فاکتور را نزد خود نگاه می‌دارند و بدین ترتیب مقدار خریدی که از شرکت تعاونی نموده است روشن می‌شود و هر قدر بیشتر خرید کرده باشد، سود بیشتری به او تعلق می‌گیرد. بدین وسیله مردم به خرید بیشتر از فروشگاه‌های تعاونی تشویق و ترغیب می‌گردند. نگارنده در محل از سرپرست شرکت تعاونی ده بکری سؤال کرد که چرا نرخ اجناس موجود در فروشگاه‌ها برای اعضای شرکت ارزانتر در نظر نمی‌گیرند زیرا که این خود وسیله‌ای است جهت تشویق افراد به اینکه بیشتر و بیشتر به عضویت شرکت‌های تعاونی در آیند. ولی سرپرست مربوط پاسخ داد که این رویه باعث ایجاد بازار سیاه می‌گردد، به این صورت که عضو جنسی را از فروشگاه شرکت خریداری می‌نماید و سپس آنرا با قیمت گرانتر به افراد غیر عضو می‌فروشد تا بدین وسیله سودی برده باشد. پس ارجح آن است که نرخ اجناس برای همه یکسان باشد و سپس سود شرکت تعاونی به ترتیبی که گفته شد بین اعضاء تقسیم گردد. همچنین بعد از این امکان دارد با اعطای اعتبار جنسی به اعضای شرکت تعاونی این مشکل مرتفع گردد به این ترتیب که بهره مختصری (حداکثر ۶٪) به مبلغ استفاده شده از اعتبار جنسی اضافه می‌شود و عضو مربوط هنگام استفاده از اعتبار جنسی بهره‌متعلقه را پرداخت می‌نماید* . در واقع در خصوص اظهار فوق نسبت به تقسیم سود شرکت تعاونی بین اعضاء به نسبت میزان خرید آنها و ترجیح این نحوه عمل به پیشنهاد نگارنده (در نظر گرفتن نرخ‌های ارزانتر جهت اعضاء) چنین به نظر می‌رسد که در حالت اول اعضاء به هیچ عنوان نمی‌توانند سود شرکت تعاونی را نظارت و یا بررسی

نمایند و شاید به این دلیل این رویه مورد اجراست. از طرف دیگر باید منصفانه اذعان نمود که به هیچوجه معلوم نیست که شرکت‌های تعاونی در پایان سال سودی برده باشند. درحقیقت این اصل را نباید فراموش نماییم که تعداد شرکت‌های تعاونی مغازه‌دار در تمامی حوضه تنها ۳۵ شرکت است و در نتیجه روستائیان مکرر مجبور هستند از دکان‌های کوچک دیگر که بیشتر قابل دسترسی می‌باشند و یا از فروشندگان دوره‌گرد یا پیله‌وران خرید نمایند. پیله‌وران از اهالی روستاهایی می‌باشند که به بهم می‌آیند و احتیاجات ضروری اهالی را خریداری نموده به ده مراجعت می‌کنند و این اجناس را با قیمت‌های گرانتر به اهالی روستا می‌فروشند. در مرکز دهات ده بکری در کنار جاده غیر از درمانگاه ده بکری دکان‌هایی وجود دارند که تقریباً همه چیز می‌فروشند و بنا به گفته سرپرست شرکت تعاونی محل، قیمت اجناس در این دکانها از اجناس شرکت تعاونی گرانتر است ولی گاهی مردم به علت نزدیکتر بودن به این دکانها ترجیح می‌دهند اجناس را گرانتر خریده و جهت رسیدن به فروشگاه شرکت تعاونی راه دورتری را نپیمایند. به این دلیل هم اکنون (تابستان ۱۳۵۲) شرکت تعاونی در نظر دارد جای دکان شرکت را تغییر بدهد و آنرا بیشتر در مرکز جایگزین نماید تا مورد استقبال بیشتر مردم واقع شده و در نتیجه بودجه شرکت تعاونی بیشتر گردد.

طرح‌های آینده شرکت‌های تعاونی : ضمن پی‌گیری تحقیقات محلی مربوط

به شرکت‌های تعاونی در محل طی تابستان ۱۳۵۲ نگارنده توانست در جریان طرح‌های آتی شرکت‌های تعاونی حوضه بهم و نرماشیر قرار گیرد. این طرح حاکی از این بود که تعداد ۴۲ شرکت تعاونی موجود در حوضه بهم و نرماشیر به ۱۸ عدد تقلیل یابد و منظور از این عمل مرکزیت بخشیدن به تعداد اخیر است. بنا به اظهار ریاست سازمان تعاونی روستاها در بهم ۲۴ شرکت تعاونی دیگر نیز به همین صورت فعلی نگاهداشته می‌شود و در واقع علت مرکزیت بخشیدن به ۱۸ شرکت تعاونی طرح شهرک سازی است که در برنامه پنجساله پنجم منظور شده است. این

شهرک‌ها باید ... ره تا ... ر. ۱ نفر جمعیت داشته باشند به این صورت که ابتدا تشکیلات و تأسیسات را برای یک عده ... ره نفری فراهم می‌سازند و سپس آنرا جهت سکونت یک جمعیت ... ر. ۱ نفری گسترش می‌دهند. در سال ۱۳۵۲، ۹۰ شهرک در برنامه پنجم به تمامی ایران تعلق می‌گرفت که سهم استان کرمان در این سال فقط ۳ شهرک بود و از این تعداد برای بم سهمی در نظر گرفته نشده بود. ولی در سال ۱۳۵۳ مقرر گردید شهرک قاسم‌آباد (یک ده ۳۹۳ نفری) واقع در دهستان پشت‌رود در بلوک نرماشیر ساخته شود. در واقع در آینده در مرکز هریک از این ۱۸ شرکت تعاونی شهرکی به وجود خواهد آمد و در این شهرک‌ها انواع واحدهای مسکونی، دبستان، دبیرستان و غیره مجهز به آب و برق ساخته خواهد شد و افراد از دهات مجاور به این منطقه جذب می‌شوند. به این ترتیب که زمین‌های زراعتی آنها که در دهات بومیشان واقع است به صورت مزرعه درمی‌آید و زارعان مربوط در ظرف روز کارهای زراعتی خود را در این مزارع انجام می‌دهند و عصرها برای استراحت به شهرک مربوط باز می‌گردند. بنا به اظهار مسئولین امر این ۱۸ حوزه تعاونی که در مرکز هریک شهرکی ساخته خواهد شد برحسب محاسبه مسافت، جمعیت‌پذیری در نظر گرفتن روحیه مردم محل و میزان سازش آنها با یکدیگر و استعداد شهرک شدن تعیین می‌شوند*.

۱ - پروژه‌ای که فوق‌توجیه‌گردید مبتنی بر اطلاعاتی است که نگارنده در تابستان ۱۳۵۲ در محل کسب نموده و اینکه آیا این طرح عیناً به مرحله اجرا در آمده و یادست‌خوش تغییراتی شده است برما روشن نیست.

نوع مسکن :

ساکنان ده بکری در زمستان و تابستان در کلبه‌های گلی زندگی می‌کنند. قسمت جلوی این کلبه‌ها کوار نامیده می‌شود و به خود این کلبه‌ها سابقاً گنبد می‌گفته‌اند و هم‌اکنون اطاق چوبی می‌گویند. سقف این کلبه‌ها چوبی و دیوارهای آن سنگی است و با کاه و گل اندود شده است. در قسمت جلوی کلبه (کوار) داربست‌های چوبی ساخته‌اند که سقف آنها را در تابستان با برگ و بوته‌های شیرین-بیان می‌پوشانند و این امر به خنکی کلبه کمک می‌کند. در زمستان از هیزم‌جهت افروختن آتش استفاده می‌کنند (به عکس‌های مسکن شماره‌های ۷ الی ۱۷ توجه کنید).

تغذیه :

صرف‌نظر از موارد استثنائی کلا گوشت و برنج در تمام ده بکری مصرف ندارد و مواد غذایی مرکب می‌شود از کشک، نخود، عدس و لوبیا. این مواد به صورت آب‌پز مورد استفاده قرار می‌گیرد. نان مورد مصرف را خود کشاورزان می‌پزند (پاره‌ای وسایل اولیه منازل در عکس‌های مربوط به مسکن مشاهده می‌شود).

روش کشاورزی و وسایل آن :

در منطقه ده بکری به علت اراضی نا هموار وسعت زمین‌های مزروعی ناچیز است. در حدود نصف زمین‌های مزروعی در آیش مانده و نصف دیگر به کشت اختصاص می‌یابد به طوری که هر یک از قطعات زمین مختص به کشت شتوی و صیفی دوسال یکبار زیر کشت می‌رود و گاهی از اوقات جای کشت‌های شتوی و صیفی با یکدیگر عوض می‌شود. همچنین گاهی انواع صیفی در باغها کشت می‌شود چنانکه نگارنده در مشاهدات منطقه‌ای ناظر این مورد در دهات بیدخون مرغک،

باغ خشک (یا باغ خوش)^{۱*} و کهن سیر^{۲*} بوده است. ولی شتوی همیشه جدا گانه کشت می گردد. در نواحی کوهستانی شتوی و صیفی در روی یک قطعه زمین کشت می شود مگر در مورد کشتی که ضرورت یابد زمینی خاص جهت آن آماده گردد. در جاهای دیگر واقع در منطقه مورد مطالعه نگارنده (حوضه بزم و نرماشیر) به موارد زیادی برخورد می کنیم که شتوی و صیفی در روی همان قطعه زمین کشت می شود و علت این امر حداکثر صرفه جویی در عوامل کشاورزی (آب، خاک، کود و سایر عوامل) است. ولی این مورد در هیچ جای دیگر به اندازه منطقه کوهستانی معمول و متداول نیست زیرا که در سایر نواحی افزایش زمین های کشاورزی (به استثنای منطقه بروات، در پنج کیلومتری شهر) و در منطقه کوهستانی کمبود آن مطرح است. در منطقه ده بکری، به سبب کوچکی اراضی مزروعی، کشاورزی مکانیزه مقرون به صرفه نیست و تمام کار شخم به وسیله جفت گاو صورت می گیرد در صورتی که در منطقه راین به ویژه در امتداد دره ها قسمتی از عمل شخم به کمک تراکتور و قسمتی به کمک جفت گاو انجام می پذیرد. البته در دهات اربابی فقط تراکتور مورد استفاده قرار می گیرد و مالکان تراکتورهای خود را به دهات مجاور کرایه می دهند. کودهای شیمیایی و حیوانی هر دو به کار می روند منتهی کود شیمیایی بیشتر در دهات آبادتر و دهات اربابی مصرف دارد در حالی که کود حیوانی در دهاتی که بنیه مالی و اقتصادی ضعیفتری دارند و به ویژه در مورد کشت یونجه مورد استفاده قرار می گیرد.

۱ - علت اینکه اسامی باغ خشک و باغ خوش هر دو به یک ده اطلاق می شود این است که در زمان های گذشته به علت پر آبی و صفائی که این ده داشته به آن باغ خوش می گفته اند و هم اکنون به علت خشکی و کم آبی به آن باغ خشک می گویند.

۲ - کهن به معنی قنات و سیر در اینجا به مفهوم پر آبی به کار رفته است و بنا بر این کهن سیر به معنی قنات پر آب می باشد. در موارد بسیاری اسامی روستائی مفاهیم جغرافیایی بیشماری را روشن می نمایند.



عکس شماره ۷۰ - نمونه‌ای از کوار - ده باغ، ده بکری



عکس شماره ۸ - نمونه‌ای از کوارتزیت از دهبیدون - دهبکری



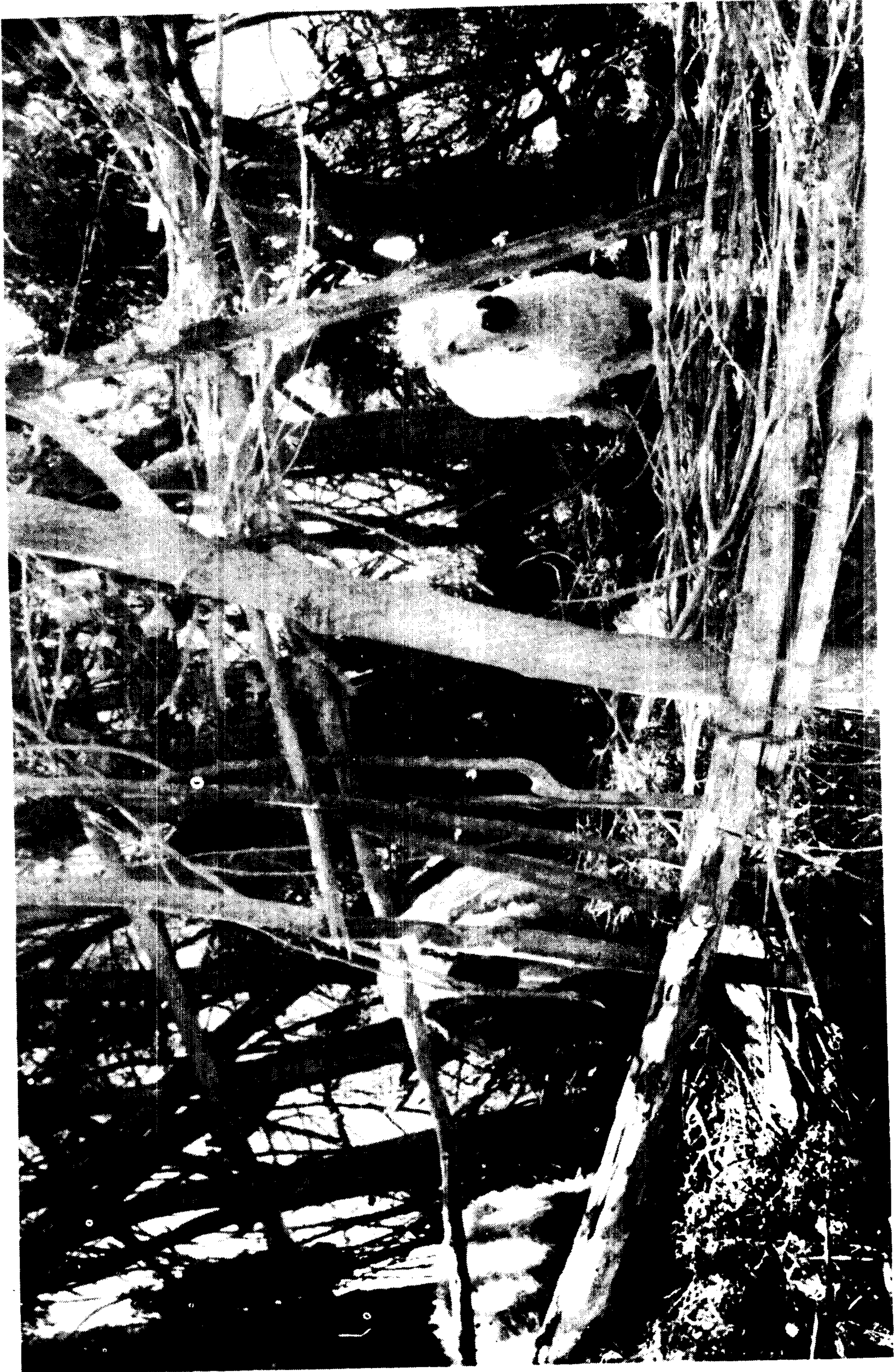
عکس شماره ۹ - نمونه‌ای دیگر از کوارد - ده بیدون



عکس شماره ۱۰ - منظری د پگازده بیدون - د بهکری



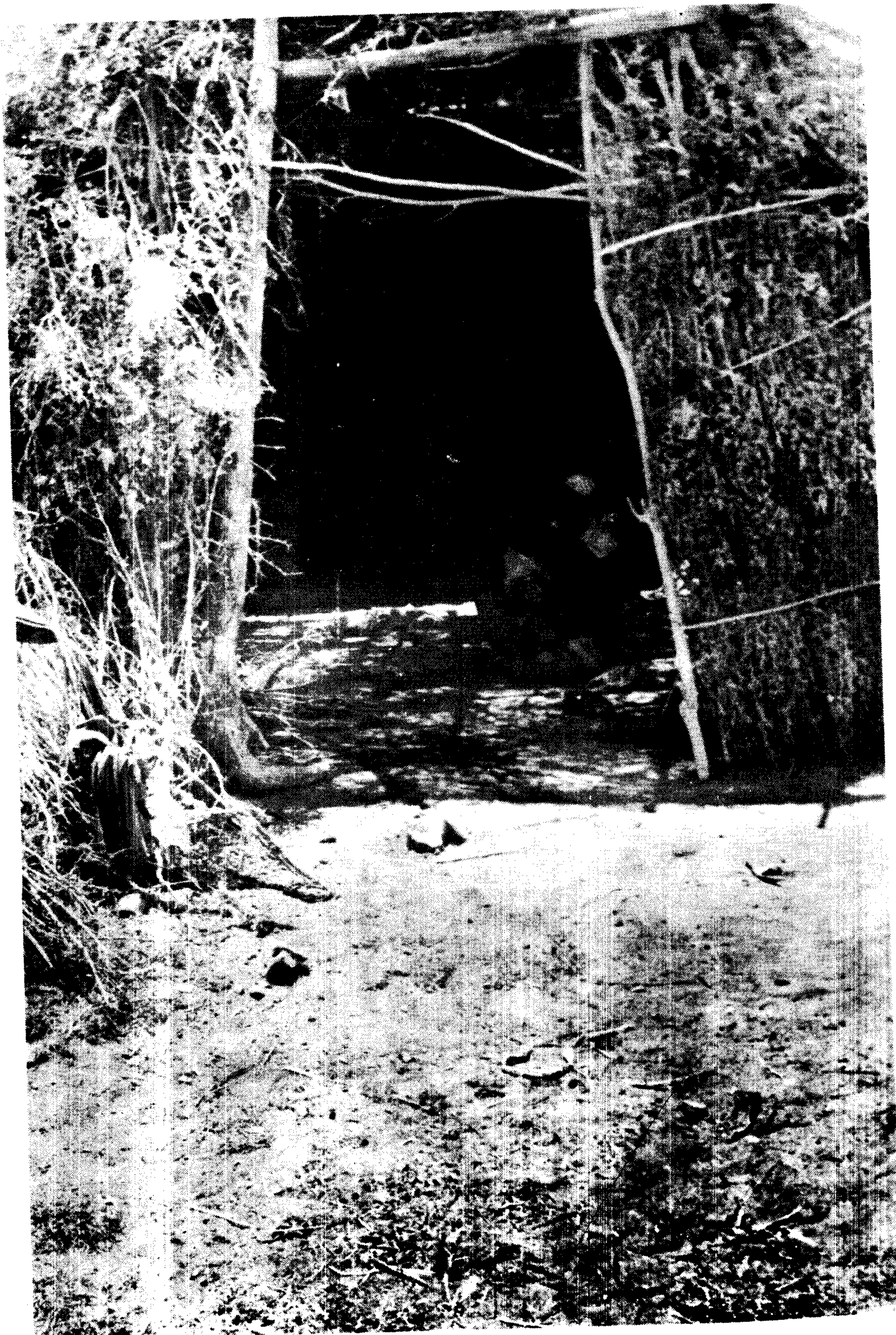
عکس شماره ۱ - اندرون پت کوار - ده پیدون ، ده بکری



عکس شماره ۱۲ - اندرون کواره محل نگاهداری حیوانات - ده بیدون



عکس شماره ۱۳ - منظره دیگر از داخل کوچه - ده بیدون، ده بکری



عکس شماره ۱۴ - منظره د یگرازد رون کوار - د هیدون ، د هبکری



عکس شماره ۱ - محل پخت و تزوسایل مربوط در داخل کوچه - دهبیدون، دهبکری



تصویر شماره ۱۶ - نمونه‌ای از کوارز در خندان میوه - ده گلپیدا، ده بکری



عکس شماره ۱۷ - اصطبل حیوانات - ده گله بیدون، ده بکری

بازار فروش محصولات کشاورزی :

محصولات کشاورزی تماماً در محل مصرف می‌شود و با وجود این رفع نیازمندیهای منطقه را نمی‌نماید . میوه به استثنای پسته معمولاً به دهات مجاور فروخته می‌شود . محصولاتی که جهت فروش به خارج از منطقه ارسال می‌شود عبارتند از : پسته، گردو، سیب زمینی و پیاز. این محصولات معمولاً به کرمان، بم و این فرستاده می‌شود . معمولاً خریداران به دهات آمده این محصولات را خریداری می‌کنند و خودشان آنرا به بازار فروش می‌رسانند . البته این امر بر قیمت محصول اثر می‌گذارد و متضمن ضرر برای زارع محلی (فروشنده) است که شخصاً محصول را به بازار نمی‌رساند . ولی در مورد استثنائی دهات اربابی این مالک است که خود محصولات عمده‌ای چون پسته را به کرمان و یا چغندر قند (در این کشت می‌شود) را به بردسیر و مراکز مختلف فروش می‌رساند .